

نشست اقتضائات فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی در عصر حاضر

آیت‌الله شیخ علی رضایی تهرانی

مجمع محبین اهل بیت علیهم السلام، قم

۱۴۰۲/۰۳/۱۴ هجری شمسی

۱۴۴۴/۱۱/۱۵ هجری قمری

«أعوذُ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيحَةُ الْعَالَمِ هَادِي السَّبِيلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

«قال الله تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا} اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ {وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ}»

سالروز ارتحال بزرگ‌مرد جهان معاصر

سالروز ارتحال بزرگ‌مرد جهان معاصر، مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) را گرامی می‌داریم. نثار روح این بزرگوار، هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

مقدمه

موضوعی که برای حقیر در نظر گرفته شده، «اقتضائات فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی در عصر حاضر» می‌باشد. در ابتدا مقدماتی را عرض می‌کنم و سپس به صلب بحث می‌پردازم. در این عنوان، سخن از فعالیت است؛ اقتضائات «فعالیت‌های» فرهنگی. این مسئله نه تنها به فعل و انجام کار اشاره دارد، بلکه به معنای انجام کار به صورت مداوم و پیوسته است. واژه «فعالیت» صیغه مبالغه است.

از دیدگاه دین مبین اسلام، انسان مسلمان نه تنها نباید بی‌کار باشد، بلکه باید از فعالیت مداوم بهره‌مند گردد. در روایتی آمده است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) وقتی جوانی خوش‌اندام را می‌دیدند از او می‌پرسیدند: «اسمت چیست؟ نام خانوادگی‌ات چیست؟ از چه قبیله‌ای هستی؟»

سپس از او می‌پرسیدند: «حرفه‌ات چیست؟ شغلت چیست؟»

اگر جوان می‌گفت: «یا رسول‌الله انا عاطل..» (بی‌کارم)، بلافاصله از چشم پیامبر می‌افتاد. پس به‌طور مسلم، انسانی که فعال نیست نمی‌تواند در فرهنگ دینی ما جایی داشته باشد.

فعالیت‌ها و اقتضائات

مقصود من از فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی، فعالیت‌های دینی و مذهبی است و نه صرفاً فعالیت‌های مطلق. اهمیت این بحث هم از اینجا ناشی می‌شود که چه بسیار فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی بوده‌اند که به‌خاطر عدم رعایت اقتضائات عصر حاضر، نه تنها به نتیجه مثبتی نرسیده‌اند؛ بلکه به نتایج بد و سوء منجر شده‌اند. در صورتی که اقتضائات فعالیت‌های فرهنگی در عصر حاضر مورد توجه قرار نگیرد، به نام یک فعالیت فرهنگی

ممکن است از هدف که تربیت دینی است، دور شویم.

محورهای فعالیت

من فعالیت فرهنگی و تربیتی را در پنج محور بررسی می‌کنم:

۱. محور خود:

اهمیت تأمل در نفس و نیاز به خودسازی.

۲. محور خانواده:

نقش خانواده در تربیت و شکل‌گیری شخصیت.

۳. محور فامیل:

تأثیر خانواده در محیط‌های اجتماعی.

۴. محور مدرسه:

تأکید بر مراقبت و توجه به مدارس به‌عنوان کانون‌های آموزشی و پرورشی.

۵. محور جامعه:

بررسی نقش جامعه در فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی.

در میان این پنج محور، مهم‌ترین محور، محور اول است. توجه به این موضوع در بیانات امام علی (علیه‌السلام) نیز اشاره شده است که فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يُصْلِحْ نَفْسَهُ لَمْ يُصْلِحْ غَيْرَهُ»^۲، (اگر کسی خود را نسازد، قدرت تأثیرگذاری مثبت بر دیگران را نخواهد داشت).

سؤالات و چالش‌ها

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: اگر بخواهیم فعالیت ما در عرصه فرهنگ و تربیت مؤثر و مفید باشد، آن هم در عصر حاضر، چه اقتضاناتی دارد؟ به نظر می‌رسد بایستی به واژه عصر حاضر توجه ویژه‌ای داشته باشیم. اقتضانات فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی در جهان معاصر یا در عصر حاضر باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. این عصر، عصر مدرنیته است و ما در جهانی از مدرنیسم (نوگرایی) زندگی می‌کنیم. سؤال اساسی این است که آیا از مدرنیسم به پسامدرن منتقل شده‌ایم یا خیر؟ یک دانشمند آمریکایی که به مشهد آمد، در مورد این مفهوم صحبت کرد و این سؤال را مطرح کردم. او در پاسخ به من گفت که در آمریکا نیز این مسئله مورد اختلاف نظر است. عده‌ای معتقدند که جهان از عصر مدرنیته به مرحله پست‌مدرن (پسانوگرایی) منتقل شده است و عده‌ای دیگر این نظر را رد می‌کنند. بعد از آن از جناب آقای دکتر ابراهیمی دینانی سؤالی درباره مؤلفه اصلی پسامدرن پرسیدم. ایشان به یک کلمه بسنده کردند و گفتند: «تغییر»؛ بنابراین، اگر ما در دوره پسامدرن قرار گرفته باشیم که بسیاری می‌گویند هنوز به آن نرسیده‌ایم، با عنصر «تغییر» مواجه خواهیم شد.

مدرنیسم: ظاهر و باطن

به‌هرحال ما فعلاً در دوره مدرنیسم قرار داریم. مدرنیته و مدرنیسم دارای یک ظاهر و برون و یک باطن و درون هستند. اگر بخواهیم از اصطلاحات دینی استفاده کنیم، مدرنیسم به‌شدت منافق است؛ یعنی ظاهر آن به‌گونه‌ای و باطنش به‌گونه‌ای دیگر است. برخی از عزیزان مانند دکتر شجاعی زند این بحث را به‌خوبی مطرح کرده‌اند و عنوانی تحت عنوان «مدرنیته و قدرت انتخاب» دارند که در آن اثبات می‌کنند که برعکس ظاهر مدرنیسم، اقتدارگرایانه‌ترین سبک زندگی، سبک

مدرنیته است.

این از ابتلائات بشر امروزی است. به راحتی می‌توان گفت که خاص و عام، زن و مرد، دختر و پسر، کوچک و بزرگ، همه ما در دل و در شکم مدرنیسم به دنیا می‌آییم، با مدرنیته زندگی می‌کنیم و با مدرنیته می‌میریم. این چنبره آن قدر قدرتمند است که حتی تصور و تفکر غیر از آن به ذهن ما نمی‌رسد.

ظاهر مدرنیسم دموکراسی، سکولاریسم، پلورالیزم و تکثرگرایی است. ظاهراً همه می‌توانند حرفشان را بزنند و هر کسی می‌خواهد زندگی فردی داشته باشد، اما هرگز چنین نیست. مدرنیسم چنان خودش را بر ذهن بشر مسلط کرده که امروزه تبدیل به یک امر مقدس شده است. در اروپا و آمریکا، دموکراسی از یک شیوه زندگی گذشته و به یک شیوه زندگی مقدس تبدیل شده است که بدیل و جانشینی ندارد و اصلاً نمی‌توانی غیر از آن فکر کنی. در آن زاده می‌شوی و در آن بزرگ می‌شوی.

اقتضانات فعالیت فرهنگی و تربیتی در عصر مدرنیته

این مقدمه را مجبورم بگویم؛ زیرا کار دارد. اگر بتوانم در ۵-۶ دقیقه مدرنیسم را کمی باز کنم، می‌توانیم ببینیم که اقتضانات فعالیت فرهنگی و تربیتی در این عصری که در چنبره مدرنیته داریم خفه می‌شویم، چیست.

همان‌طور که می‌دانید، مدرنیسم در معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی حرف دارد. این حرف را به کرسی نشانده و بر انسان مدرن تحمیل کرده است. نمی‌خواهیم در مدرنیسم بمانیم؛ زیرا هزاران ساعت می‌توان در این مقوله صحبت کرد و هزاران مقاله و کتاب در این زمینه نوشته شده است. من مجبورم اجمالاً اشاره‌ای داشته باشم به اینکه عصر حاضر یعنی چه و در عصر حاضر چه باید کرد.

در بحث معرفت‌شناسانه، ما مبتلا به این نگاه مدرنیسم هستیم که علم‌گرا و علم‌زده است و رویکرد غایت‌گرایانه دارد. مدرنیسم به عقل بها می‌دهد، البته عقل مدرن، عقل ارسطویی، یعنی عقل ابزاری، عقل استدلال‌گر، عقل جزئی فنی و تکنولوژیک (فناورانه). نگاهش این است که علم برای او اصل است، با تفسیری که او از علم دارد، با تفسیر مدرن.

در ویژگی‌های هستی‌شناسی، مدرنیسم به دنبال اسطوره‌زدایی از جهان است؛ یعنی انکار هرگونه تأثیر امر فوق‌طبیعی. متافیزیک مرده است!

مدرنیسم به دنبال تغییر رابطه اندیشه انسان و جهان و خدا و ترجیح حق بر تکلیف است. تکلیف مرده است!

اصول مدرنیسم در ابعاد مختلف

انسان‌شناسی:

۱. انسان‌محوری (اومانیزم):

اصالت دادن به انسان و بازتعریف سعادت به سعادت دنیوی.

۲. فردگرایی مطلق:

تأکید بر عقل و اختیار فردی و لذات فردی.

۳. احساس‌گرایی:

ریشه‌زدن اخلاق مطلق و نسبی کردن آن.

هستی‌شناسی:

۱. انسان حق دارد طبیعت را آن‌گونه که می‌خواهد رقم بزند.

جامعه‌شناسی:

۱. مدنیت نوین:

دولت یک شر ضروری است.

۲. جدایی دین از سیاست:

فردی‌سازی دین و عدم توجه به آن در ابعاد اجتماعی.

۳. اخلاق نسبی:

جایگزینی اخلاق نسبی به جای اخلاق مطلق.

۴. سنت‌ستیزی:

رد سنت‌ها و ارزیابی همه چیز توسط انسان.

معرفت‌شناسی:

۱. مدرنیسم تنها بدیل واقع‌بینانه و معقول برای الهیات و ایدئولوژی است.

تسلط مدرنیسم بر زندگی

مدرنیسم در تمام ابعاد زندگی ما رسوخ کرده است. از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی گرفته تا انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، همین است. فرزند من که به دنیا می‌آید، یک تصور از دوره‌های تحصیلی در ذهنش نقش می‌گیرد: پیش‌دبستانی، دبستان، متوسطه اول، دوم، دانشگاه. هیچ‌گاه نمی‌پرسد چرا؟

یک تصویری در ذهنش از ورزش شکل می‌گیرد. ورزش پهلوانی و قهرمانی را پذیرفته و با پهلوانان و قهرمانان رشته‌های مختلف حس می‌گیرد و ارتباط برقرار می‌کند. هیچ‌گاه در ذهنش نمی‌آید چرا؟
یک نوع پوشش خاص دارد، نمی‌پرسد چرا؟
یک نوع منش خاص دارد، نمی‌پرسد چرا؟

اقتدارگرایی پنهان مدرنیسم

ما معتقدیم در زیر این ظاهر به‌ظاهر تکرگرا و به‌ظاهر جامعه باز، یک منش اقتدارگرایانه بسیار مستبدانه حاکم است که حتی قدرت نقد مدرنیسم و تصور نقد مدرنیسم را از ما گرفته است.

تقسیم‌بندی مدرنیسم

من مدرنیته را به دو بخش تقسیم می‌کنم (البته تقسیمات فراوانی دارد، اما من با این تقسیم‌بندی کار دارم):

۱. مدرنیسم قبل از نهضت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)

۲. مدرنیسم بعد از نهضت مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)

تأثیر نهضت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بر مدرنیسم

ما معتقدیم که تنها فریادی که در دو سه دهه اخیر بر علیه اقتدار و استبداد مدرنیته و مدرنیسم در جهان بلند شد، فریاد مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بود. دشمن هم ابتدا این وجهه و وجه نهضت خمینی را کشف نکرد. وقتی کشف کرد، دیگر نگذاشت تکرار بشود. در الجزایر، تونس، مصر و انقلاب‌های بهار عربی، هر کجا خواست شکل بگیرد، سرکوب کرد. به تعبیر آن بزرگوار، گفته بودند نهضت ما در یک غفلت بین‌المللی پیروز شد. گمان نمی‌کردند این موج را ایجاد می‌کند، وگرنه نمی‌گذاشتند.
این تقسیم مدرنیسم به دو بخش قبل از خمینی و بعد از خمینی ثمراتی داشت:

۱. توجه به اسلام و تشیع:

دین اسلام و مذهب شیعه مورد اقبال مطالعاتی و گرایش قرار گرفت. در کشور پاکستان، پس از انقلاب، تعداد آمار کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در مورد شیعه نوشته شده، بسیار زیاد است.

دپارتمان‌های (بخش‌های) متعددی برای شیعه‌شناسی و اسلام‌شناسی شکل گرفت. در ملاقات‌های اخیر حضرت آیت‌الله سیستانی با افراد مختلف، بر این مطلب تأکید می‌ورزند که گسترش تشیع را وامدار انقلاب اسلامی هستیم. یک نمونه‌اش می‌شود شیخ ابراهیم زکزاکی در قلب آفریقا با بیش از ۱۵ میلیون نفر شیعه. **مرکزیت ایران:**

ایران مورد توجه و در مرکز برنامه‌ریزی قرار گرفت، آن قدر که این کشور مورد توجه قرار گرفت از طرف دوست و دشمن هیچ کشوری این قدر مورد توجه نیست. در اغتشاشات اخیر، مسئول سرویس‌های خارجی وزارت اطلاعات فرمودند ۵۸ کشور سرویس‌هایشان دست‌به‌دست هم دادند برای ایجاد اغتشاشات.

بازخوانی مدرنیسم برای فعالیت‌های فرهنگی

اگر بخواهیم عصر حاضر را بشناسیم، اول باید برگردیم و مدرنیسم را بازخوانی کنیم و ببینیم نهضت مرحوم امام خمینی چه کرد با این وضعیت موجود جهان. امروز هم مقام معظم رهبری به نیکی فرمودند که مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در سه ساحت تأثیرگذاری کرد و یک ساحت، ساحتی جهانی بود. اگر ندانیم در این وضعیت بعد از نهضت، در فعالیت فرهنگی و تربیتی چه باید بکنیم، نمی‌توانیم درست وظیفه خود را انجام دهیم. من اعتقاد شخصی دارم که اگر بخواهیم در فعالیت‌های فرهنگی مان مفید و مؤثر عمل کنیم، باید بیش از روبناها به زیربناها بپردازیم و بیش از زدن شاخ و برگ‌ها، ریشه‌ها را خشک کنیم. این کار یک مقداری شاید سخت‌تر باشد، ولی بهتر جواب می‌دهد.

تغییر ذائقه و فعالیت فرهنگی

تصور من بر این است که زمانه آمده ذائقه مردم را تغییر بدهد و این کاملاً مشهود است. این تغییر ذائقه را من باید مدنظر قرار بدهم و در همین ساحت تغییر ذائقه ببینم چه می‌توانم انجام دهم.

خاطره‌ای درباره فضای مجازی و لزوم برخورد فعالانه

خاطره‌ای عرض می‌کنم، شاید قبلاً این خاطره را گفتم که تکرار است؛ ولی لازم داریم. یک عزیزی که یک بره‌ای رئیس فضای مجازی کشور بود، ایشان گفتند من خدمت یکی از مراجع رسیدم، خیلی ناراحت بودند. به من گفتند فلانی شما که این سگ را وارد کشور کردید (مرادشان فضای اینترنت و فضای مجازی بود) قلاده‌اش را هم وارد کنید. ایشان گفتند من به این مرجع تقلید عرض کردم آقا من با غیر شما هم که نشستم حرف دلشان و حرف زبانشان همین بود. ولی من می‌خواهم یک مطلبی عرض بکنم. ایشان گفتند بگو. گفتم مشکل شما این است که گمان می‌کنید یک سگ وارد کشور شده، منتها قلاده‌اش وارد نشده. گفتند بله. گفتم اشتباه همین‌جاست. آنی که وارد کشور شده یک سونامی است. ما باید بریم بالای کوه بایستیم عقبه این سونامی را ببینیم، ببینیم بر اساس این عقبه حالا چه باید بکنیم.

این مطلب را که این بزرگوار برای من نقل کرد، این‌طور یاد من است که همان‌جا به ایشان این نکته را عرض کردم. گفتم من می‌پذیرم حرف شما درست است و حرف آن مرجع تقلید به‌ظاهر صحیح نیست و این یک سگ نیست که قلاده بخواهد و سونامی است؛ شما با این عینک‌های VR (حقیقت مجازی) کار کردی؟ لباس این عینک‌ها آمده! یعنی الان سوار آسانسور (آسان‌بر) می‌شوی شاسی را فشار می‌دهی احساس نداری، یک دستکش دستت می‌کند فشار می‌دهی انگشت تو احساس می‌کند، حالا این لباس می‌آید، شما با این می‌روی در طبیعت می‌گردی، با این می‌روی ازدواج می‌کنی! درست است که سونامی است! ولی به این بزرگوار گفتم مشکل این است من احساس می‌کنم شما در مقابل این سونامی منفعلانه دارید تصمیم می‌گیرید، دست‌ها رفته بالا تا ببینیم حالا چه خاکی بر سرمان باید بکنیم. این کار درست نیست! قبول کرد ایشان و گفت درست است. ایشان می‌گفتند من حتی نمی‌دانم چقدر می‌توانیم موفق باشیم و چقدر نمی‌توانیم موفق باشیم.

من می‌خواهم بگویم نه! اگر ما بتوانیم ریشه‌ها را بزنیم، اگر ما بتوانیم آن جزور را به قول عرب‌ها خشک کنیم می‌توانیم کنترل (واپایش) کنیم و این برای ما ممکن هست و این برای ما مقدور هست. انقلاب ما که پیروز شد (من متولد تهران هستم)، در بعضی از خیابان‌های تهران تعداد شراب‌فروشی‌ها از تعداد نانوایی‌ها بیشتر بود، از

تعداد لبنیاتی‌ها بیشتر بود. ساحل هم که در شمال مشخص بود، متدین ما نمی‌توانست قدم بگذارد. از جلوی سینماها رد می‌شدیم من بچه بودم پدرم به من می‌گفت علی! علی! به من نگاه کن! به من نگاه کن! چرا! بعد که یک‌ذره بزرگ‌تر شدیم گهگاه یواشکی نگاه می‌کردیم می‌دیدیم او! او! صحنه این پرده تلویزیون به گونه‌ای است که باید به بابا نگاه می‌کردیم نباید این طرف نگاه می‌کردیم! اما از دل همین‌ها جوان‌هایی بیرون آمدند که ۸ سال جنگ را اداره کردند. غیر از این که نیست. منفعلانه نباید برخورد کرد باید فعالانه برخورد کرد.

ویژگی‌های عصر حاضر و استفاده از آن‌ها در فعالیت‌ها

ما جهان معاصر و عصر حاضر را با ویژگی‌هایی می‌شناسیم و می‌خواهیم بگویم که از همین ویژگی‌ها می‌توانیم استفاده کنیم و فعالیت‌هایمان را جهت بدهیم.

ویژگی اول: تغییر و ابداع

عصر حاضر، عصر تغییر، رشد و ابداع است. فرمول تغییر را همه شنیده‌اید. ما در فرمول تغییر این‌گونه بیان می‌کنیم: “در - از - به - با - برای” یعنی در چه موضوعی، از چه وضعیت موجودی، به چه وضعیت مطلوبی، با چه ابزاری، برای چه هدفی. دشمن آمده در این فرمول تغییر، این‌طور مدرنیته را تو کله من و شما کرده:

۱. “در”: در هر موضوعی!

۲. “از”: از هر وضعیت موجودی!

۳. “به”: به آن وضعیت مطلوبی که من بر اساس مدرنیسم رقم می‌زنم!

۴. “با”: با هر ابزاری، چون هدف وسیله را توجیه می‌کند!

۵. “برای”: برای هر هدفی، ولو هدف کاملاً نامقدس باشد!

من باید به این کودک، به این نوجوان، وقتی فرمول تغییر را می‌خواهم تعبیر کنم بگویم تغییر در هر موضوع نیست! روایتش چه بود؟ همه شما بلدید روایتش را می‌خوانیم؛ چون ذکر شریف همراهش است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «حَلَالٌ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ»^۳، ما در دین ثابتات داریم، در علم نیز داریم. مگر جدول ضرب مال چند هزار سال قبل نیست؟

هنوز هم سه ضربدر سه می‌شود نه تا و دو، دو تا می‌شود چهارتا. نمی‌گوییم چون سه هزار سال گذشته پس سه ضربدر سه می‌شود دوازده تا! در دین نیز داریم. پس در هر موضوعی نیست!

خوب، از وضعیت موجود به هر وضعیت مطلوبی نیست، به وضعیت مطلوبی که مطلوب خالق هستی باشد، او بپسندد و بخواهد، او قبول داشته باشد. با هر ابزاری نیست و هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به اهل کوفه فرمود: “من می‌دانم چه چیزی شما را آدم می‌کند، من می‌دانم شمشیر را بکشم بیفتم به جانتان و گناهکار و بی‌گناه برایم فرقی نداشته باشد، کاری که حجاج کرد، کاری که سلاطین جور کردند. فرمود:

«إِنِّي وَاللَّهِ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَعْلَمُ مَا يَصْلِحُكُمْ وَلَكِنِّي لَا أَفْسِدُ نَفْسِي بِصَلَاةِ حَكْمٍ»^۴، من نمی‌آیم خودم را خراب کنم تا شما را آباد کنم، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. برای چه هدف نهایی؟

باز برای هدفی که خالق برای ما رقم بزند.

ما مخالف تغییر و ابداعیم؟

نخیر!

مقام معظم رهبری فرمودند: “در هر مسئله‌ای نوآوری و ابداع بمیرد یقیناً آن مسئله می‌میرد.” اصلاً یکی از مغالطات است که در فن مغالطات جزء مغالطات مشهور است عده‌ای می‌گویند هرچه کهنه است باطل است، عده‌ای می‌گویند هرچه جدید است باطل است، در صورتی که هر دو نظر غلط است. در عرف مردم نیز این را می‌بینیم که مثلاً می‌گویند طب مدرن را بریز دور فقط عنبرنسا را دود کن همه جای تو خوب می‌شود، او می‌گوید

طب سنتی را بریز دور در صورتی که هر دو نظر باطل است. یک طب مکمل است و یکی نیست با همدیگر کار می‌کنند پس باید سبد بچینند و انسان را درمان کنند. ابداع در هر مسئله‌ای مرد، مقام معظم رهبری فرمودند آن مطلب مرده است!

پس ما هم قائل به تغییر و ابداع هستیم. فرقی چیست؟ فرقی این است در مدرنیسم می‌گوید تغییر در هر چیز با محوریت انسان، آن هم لذت‌گرایی انسان، آن هم با استدلال به معنای عقل جزئی و عقل تکنولوژیک فقط، ولی ما می‌گوییم این‌گونه نیست هم موضوع را تحدید می‌کنیم هم ابزار را محدود می‌کنیم و معین می‌کنیم این‌گونه هم تغییر و ابداع رو پذیرفتیم و با مدرنیسم در نیفتادیم هم درست عمل کردیم.

ویژگی دوم: سرعت

تعریف ویژگی سرعت یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی عصر حاضر "سرعت" است. حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی معتقدند که مردم در یادگیری مسائل دینی به صورت "ساندویچی" عمل می‌کنند. به عنوان نمونه، میان طلاب پدیده‌ی منبرهای یک دقیقه‌ای بین دو نماز رواج یافته است، به طوری که در یک دقیقه مطلبی بیان می‌شود. همچنین آموزش‌های نمادین به گونه‌ای هستند که صرفاً از نمادها استفاده می‌کنند.

سرعت در حوزه علمی

یکی از دوستان فوق تخصص در زمینه‌ی کبد و آندوسکوپ‌ی که از بهترین پزشکان استان خراسان و از دوستان قدیمی است، اظهار داشت که حتی اگر یک روز قبل از تدریس سری به اینترنت نزند و آخرین مقالات علمی را نبیند، از دانشجویان عقب می‌افتد. او تأکید می‌کند که رشته پزشکی اکنون آموزش‌های خود را نه روزانه بلکه ساعتی به روز می‌کنند.

در دوره‌ای که در قم زندگی می‌کردیم، فرزندمان دچار بیماری شد و پس از مراجعات مکرر به پزشکان، تشخیص داده شد که نیاز به دارویی خاص به نام IVIG (ایمونوگلوبین) دارد. پس از تلاش فراوان، این دارو را در تهران تهیه کردیم و نتیجه مثبت بود. اما بعد از حدود بیست روز، با تغییرات سریع در دیدگاه‌های پزشکی، توصیه شد که این دارو دیگر نگهداری نشود، حتی با وجود دشواری‌های تهیه آن. این مثال نشان‌دهنده‌ی تحولات سریع در علم پزشکی است.

توصیه‌های دینی درباره‌ی سرعت

در آموزه‌های دینی نیز سرعت و شتاب در امور خیر مورد تأکید است. امام معصوم (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمُ إِلَيْهِمُ الْمَرْجَةُ»^۵، یعنی در آموزش به فرزندان عجله کنید پیش از آنکه دیگران آن‌ها را منحرف کنند. همچنین در قرآن کریم آمده است: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»^۶، و در جای دیگر: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۷. از مرحوم علامه حسینی طهرانی (رحمت‌الله‌علیه) درباره‌ی روایت «خَيْرُ الْخَيْرِ مَا كَانَ عَاجِلُهُ»، که بیان می‌کند "بهترین خیر آن است که سریع انجام شود"، پرسیده شد که چگونه این با حدیث «{وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ ۸}»^۸، «عجله از شیطان است» سازگار است. ایشان توضیح دادند که انجام کار خیر، هرچقدر هم سریع انجام شود، باز هم دیر است.

تربیت و ازدواج در عصر حاضر

تأکید بر تسریع در ازدواج در تلاش‌های تربیتی برای جلوگیری از انحراف نوجوانان، تسریع در امر ازدواج یکی از راهکارهای مهم است. طبق اطلاعات موجود، میانگین سن ازدواج دختران و پسران در تهران به بالای ۳۵ سال رسیده است. این در حالی است که نوجوانان از سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی به بلوغ می‌رسند و ازدواج در سنین بالا ممکن است مشکلاتی ایجاد کند.

حاکمیت رسانه و چالش‌های مدرنیسم

رسانه به‌عنوان ابزار جهانی‌سازی در جلسات گذشته و امروز، بحث حاکمیت رسانه مطرح شد. آمریکا در تلاش برای ایجاد دهکده جهانی، رسانه را به‌عنوان ابزار اصلی خود می‌داند. به‌عنوان نمونه، نتانیاهو اظهار داشت که به وزیر امور خارجه آمریکا توصیه کرده به‌جای حمله به ایران، تلاش کنند تعداد دیش‌های ماهواره در ایران افزایش یابد.

راهکارهای مقابله با چالش‌های رسانه‌ای

برای مقابله با این اقدامات، باید اصول را حفظ کرده و رسانه‌های مثبت را تقویت کنیم. همچنین، باید به انسان بمافو انسان شخصیت‌دهی و عمق‌بخشی معرفتی داشته باشیم. آقای قاسمی در جلسه‌ای اشاره کردند که باید به نوجوانان مهارت برهان و کشف مغالطه آموزش داده شود تا بتوانند استدلال کنند و مغالطه‌ها را تشخیص دهند.

خانواده و تأثیر رسانه

خانواده‌های طلاق و نقش رسانه امروزه بسیاری از خانواده‌ها به اصطلاح "خانواده‌های طلاق" هستند؛ به این معنا که طلاق رسمی در کار نیست، اما ارتباطات خانوادگی به‌شدت کاهش یافته است. اعضای خانواده به‌جای تعامل با یکدیگر، بیشتر وقت خود را با گوشی‌های همراه سپری می‌کنند. این وضعیت باعث کاهش تأثیر خانواده بر فرد و فرزندان می‌شود.

حفظ خود در برابر حاکمیت رسانه با توجه به آیه‌ی قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرُكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»^{۹}. اگر انسان بتواند خود را در برابر حاکمیت رسانه حفظ کند، از آسیب‌های آن در امان خواهد بود.

تجربه‌گرایی افراطی در جهان معاصر

ویژگی تجربه‌گرایی افراطی یکی از ویژگی‌های جهان معاصر، تجربه‌گرایی افراطی است. به‌عبارت‌دیگر، مردم تمایل دارند همه چیز را خودشان تجربه کنند. این گرایش به تجربه‌گرایی در ذات خود نکوهیده نیست و در مواردی حتی می‌تواند مثبت باشد.

نمونه‌ای از تجربه‌گرایی در داستان ابراهیم خلیل الرحمن در قرآن کریم، از حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)، پیامبر اولوالعزم درخواستی وجود دارد که او از خداوند خواست معاد را تجربه کند. این خواسته نشانه‌ی تمایل او به درک عمیق‌تر و تجربه‌ی مستقیم بود. خداوند در پاسخ به او فرمود: چهار پرنده را بگیر، آن‌ها را بکش و بدن‌هایشان را با هم مخلوط کن؛ سپس بخش‌هایی از آن‌ها مانند منقارها را نگاه‌دار. این داستان نشان می‌دهد که حتی پیامبران نیز از تمایل به تجربه‌گرایی برای فهم بهتر استفاده کرده‌اند و این میل به دانستن و تجربه، اگر در مسیر صحیح باشد، امری ارزشمند محسوب می‌شود.

نکته‌ای از مرحوم آقای فلسفی

مرحوم آقای فلسفی، واعظ برجسته، توصیه می‌کردند که منبری‌ها از ذکر عدد در سخنرانی‌های خود پرهیز کنند، زیرا ممکن است به مشکل برخورد کنند.

به‌عنوان مثال، در داستانی به سخنان یک منبری اشاره کردند که در مورد چهار پرنده‌ی حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)

گفت که خداوند فرمود: چهار پرنده را بگیر و بکش!

از پایین منبر پرسیدند چهار پرنده کدام بودند؟

گفت: مرغ بود و خروس بود و طاووس بود و چهارمی یادش رفت.

پرسیدند چهارمی چه بود؟

گفت الاغ بود!

گفتند بابا الاغ که نمی‌پرد!

گفت الاغ جان آن موقع الاغ می‌پرید!

تجربه‌گرایی در ذات انسان و معنویت تمایل انسان به تجربه‌گرایی، در ذات اوست و نکوهیده نیست. حتی حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) نیز خواهان تجربه‌ی معاد شد و این میل به درک مستقیم و عمیق، توسط خداوند پاسخ داده

شد. این میل تجربه‌گرایی می‌تواند به سمت معنویت سوق داده شود و نسل جدید را از مادی‌گرایی افراطی به سوی معنویت هدایت کند.

نقش تجربه معنوی در زندگی فردی و اجتماعی

یکی از نمونه‌های بارز تجربه معنوی، حضور مردم در نماز عید فطر است. در مراسم عید فطر در مهدیه مشهد، مشاهده می‌شود که شرکت‌کنندگان از همان رکعت و قنوت اول همه شانه‌ها دارد می‌لرزند؛ «اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ {وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ ۝۱۰}». در حال اشک ریختن هستند. این تجربه معنوی، پس از سی روز روزه‌داری و کنار گذاشتن زکات فطر، تأثیری عمیق بر افراد دارد.

تجربه معنوی در پیاده‌روی اربعین

پیاده‌روی اربعین نیز نمونه‌ای از تجربه معنوی عمیق است. افراد با پای پیاده از نجف تا کربلا سفر می‌کنند و با دیدن گنبد مطهر حضرت عباس (علیه‌السلام) در شارع عباسیه، تمام وجودشان غرق در احساسات معنوی می‌شود. این نوع تجربه‌ها می‌توانند نسل جدید را از تجربه‌های منفی دور کرده و آنان را به سوی معنویت متعادل سوق دهند.

معنویت و نقش سلوک عملی

ایجاد معنویت در نسل جدید برای مقابله با مادی‌گرایی افراطی و تأثیرات رسانه، باید معنویت را در نسل جدید نهادینه کرد. این امر از طریق سلوک عملی و تجربه‌ی مسائل معرفتی امکان‌پذیر است. به‌عنوان نمونه، برخی روحانیون در دانشگاه‌ها مباحث عرفانی را مطرح کرده‌اند و دانشجویان زیادی را مرید فکری مرحوم علامه حسن‌زاده آملی شدند و تحت تأثیر این آموزش‌ها به معنویت علاقه‌مند شده‌اند.

تأثیر معنویت در مقاومت در برابر رسانه‌ها

این دانشجویان که معنویت را تجربه کرده‌اند، با تمام تلاش‌های رسانه‌ای دچار انحراف نمی‌شوند. به قول شاعر:

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت ندانی

در طرح‌نامه‌ای که خدمت عزیزان ارائه شد، بدون برجسته‌سازی و شعارزدگی، ریشه‌های مدرنیسم در چهار محور اصلی شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. این طرح‌نامه شامل ۱۲۵ اسلاید (صفحه ارائه)، ۵۰ مبنای استناد به ۸۰۰ آیه و روایت به‌عنوان مستندات است. اگر این طرح‌نامه در مجامع علمی و کانون‌های فرهنگی عملیاتی شود، دانش‌آموزان و متریان که در فضای مدرنیسم زندگی می‌کنند، تحت تأثیر آن قرار نخواهند گرفت؛ زیرا از قبل مبانی مدرنیسم در ذهن آن‌ها ابطال شده است. این طرح بر اصل اساسی دین مبنی بر عدم توجیه وسیله توسط هدف تأکید دارد. همچنین به متریان نشان می‌دهد که انسان دارای ساحت‌های مختلف است و نمی‌توان ساحت عقل، ذهن، ادراک و احساس را فدای ساحت جسم کرد. این مفهوم، دین را به‌عنوان سبک صحیح، متعالی و برتر زندگی به دانش‌آموزان معرفی می‌کند.

حجاب و مقابله با مادی‌گرایی افراطی

تأکید بر ارزش پوشش با موضوع حجاب به‌عنوان مسئله‌ای اساسی در دین، تأکید بر پوشش و عفاف انسان است. همان‌طور که شهید مطهری بیان می‌کند، برهنگی بیماری قرن حاضر است و پوشش و لباس به‌عنوان افتخار انسان و نعمتی الهی مطرح شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُؤْسٍ لِّكُمُ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ۱۱»، این آیه به آموزش خیاطی به‌عنوان امتنان توسط خداوند به حضرت ادریس (علیه‌السلام) اشاره دارد و اهمیت پوشش را بیان می‌کند.

به‌عنوان نمونه‌ای از موضوع حجاب در یکی از جلسات سخنرانی در دانشگاه شیراز، مثالی جذاب درباره‌ی اهمیت حجاب بیان کردم. فرض کنید مردی پس از کار روزانه وارد خانه شود و همسرش با لبخند، یک سینی حاوی شربت خنک بیدمشک به او تقدیم کند. اگر مرد، سینی را بزند، هر عقل سلیمی چنین رفتاری را غیرطبیعی و

خلاف انسانیت می‌داند. همین قیاس درباره‌ی حجاب و عفاف مطرح است؛ اگر کسی در این مسئله تشکیک کند، مانند کسی است که سینی شربت را زده باشد.

زاویه‌ای جدید در معرفی حجاب

حجاب به‌عنوان حق زن و محافظت از او، مانند گوهری در صدف، مفهوم تازه‌ای ایجاد می‌کند که نشان‌دهنده‌ی عزت و ارزش انسان است. نگاه به حجاب از این منظر، جذابیت و پذیرش آن را برای نسل جدید آسان‌تر می‌کند و می‌تواند به مقابله با مادی‌گرایی افراطی و مدرنیسم کمک کند.

اهمیت واعظ درونی و نقش آن در نجات انسان

ویژگی واعظ درونی در روایات آمده است که در آخرالزمان، کسی نجات پیدا می‌کند که صفت "واعظ درونی" در او بارز باشد «واعظ لنفسه». واعظ درونی ترکیبی از بصیرت، درایت، فهم و دانش است که انسان را قادر می‌سازد حقایق عالم را همان‌گونه که هست ببیند و بفهمد. این ویژگی انسان را از گمراهی و فریب محفوظ می‌دارد، چرا که عملکرد واعظ درونی به‌مراتب از صد واعظ بیرونی مؤثرتر است.

پاسخ به شبهه گناه در شرایط دشوار

یک جوان در دانشگاه شیراز سؤال کرد که اگر کسی در شرایط غیرقابل تحمل (ما لایطاق) باشد، آیا گناهی بر او نیست؟

وی مثالی از نیاز به موسیقی برای خواب آورد. در پاسخ به این پرسش، به اصل «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار»، اشاره شد که نشان می‌دهد انتخاب و اختیار شخصی، مسئولیت‌پذیری را ایجاب می‌کند. نمونه‌ای از زندگی مرحوم آیت‌الله اراکی برای او بیان کردم.

مرحوم آیت‌الله اراکی، مرجع تقلید برجسته، در طول عمر صد و چهار ساله خود نه‌تنها موسیقی گوش نکردند، بلکه حتی یک‌بار هم علاقه‌ای به آن نشان ندادند. این مثال نشان می‌دهد که پرهیز از برخی رفتارها کاملاً امکان‌پذیر است و به اراده و تصمیم فرد وابسته است.

اهمیت نگاه‌داشتن اصول و ثابتات

حفظ اصول و نگرش‌های اساسی برای مقابله با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، نگاه‌داشتن اصول و ثابتات اهمیت ویژه‌ای دارد.

گزاره‌های نگرش‌ساز و راهبردی باید حفظ شوند، درحالی‌که در تکنیک‌ها (فن‌ها) و راهکارهای شکلی می‌توان با مدرنیسم همراهی کرد. این همراهی می‌تواند در تغییر، ابداع و تجربه‌گرایی نمود پیدا کند.

توکل بر خدا و اهمیت ایمان

نقش توکل در فعالیت‌های فرهنگی برای موفقیت در فعالیت‌های فرهنگی و حفظ ایمان در شرایط دشوار، توکل بر خدای متعال ضروری است. دوران آخرالزمان به‌گونه‌ای است که نگاه‌داشتن ایمان مانند نگاه‌داشتن آتش در کف دست است. والدین و افراد مسئول باید این مفهوم را درک کنند و بر توکل به خدا تأکید کنند.

مثالی از زندگی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در یک جمع خصوصی بیان کردند که تأخیر انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شاید به این دلیل باشد که همان زمان آقای سعیدی آمدند پیش من و گفتند که روحانیت با شما مخالف‌اند و حوزه‌ها با شما همراه نیستند و خیلی‌ها می‌گویند انقلاب مشت است و زندان! و بحث خون است و در بحث خون اصلاً نباید ورود کرد. گفتم من بلافاصله به شهید سعیدی یک جمله گفتم "غصه نخور مردم با ما هستند!" محاسبه نفس را ببینید!

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) فرموده بودند: شاید این ۱۵ سال عقب افتادن انقلاب به‌خاطر همین یک جمله من باشد که من غفلت کردم به‌جای اینکه بگویم خدا با ما است گفتم غصه نخور مردم با ما هستند!

در ارتباط با موضوع اعتماد و توکل در داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) نیز مفهومی مشابه دیده می‌شود که به اهمیت توکل و اعتماد بر خدا اشاره دارد. این آموزه می‌تواند درس بزرگی برای مواجهه با چالش‌های زمانه باشد.

توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)

برای تربیت صحیح فرزندان، توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) امری ضروری است. کار تربیتی سنگین است و بدون بهره‌گیری از این راه نورانی، ممکن است به نتیجه مطلوب نرسد. در عین حال، شرایط خانواده‌های مذهبی امروز، خبرهای مطلوبی نشان نمی‌دهد و نیاز به تلاش بیشتر در این زمینه احساس می‌شود.

زندگی قرآنی

قرآنی زیستن یکی از عناصر اساسی تربیت است. در برخی خانواده‌ها قرآن به خوبی مطرح است، اما در بسیاری دیگر حتی یک تابلوی قرآنی وجود ندارد. قدیم‌ها، تابلوهایی مانند آیه «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۚ»^{۱۲} در خانه‌ها رایج بود که اکنون کمتر مشاهده می‌شود.

حفظ خانواده

حفظ خانواده به عنوان یک رکن مهم در تربیت نسل جدید اهمیت ویژه‌ای دارد. ارتباطات سالم خانوادگی و توجه به ارزش‌های دینی و اخلاقی، زمینه‌ساز تربیت صحیح فرزندان است. انتخاب‌های مناسب در میان اطرافیان و بستگان، انتخاب ارتباط با افراد درستکار و بااخلاق تأثیر بسیاری در تربیت دارد. همان‌طور که گفته شده است:

همنشین تو از تو به باید

مدرسه و مسجد خوب

ایجاد مدارس خوب و آشنایی و ارتباط با مساجد موفق، از دیگر وظایف خانواده‌ها و مسئولین است. حتی اگر مسجدی خوب کمی دورتر باشد، ارتباط با آن ارزشمند است.

الگوهای معنوی

الگوهای معنوی و شهدا میان دانش‌آموزان گرایش شکل گرفته که هر کدام شهیدی را به عنوان الگوی معنوی خود انتخاب می‌کنند. این گرایش باید تقویت شود تا هر فرد بتواند محبوب و معشوق معنوی خود را بیابد. از شهدای بزرگ مانند شهید سلیمانی و شهید ابراهیم هادی گرفته تا شخصیت‌های معنوی برجسته مانند آیت‌الله بهجت، شیخ علی پهلوانی، علامه حسینی طهرانی، و شیخ جعفر مجتهدی، حاج اسماعیلی دولابی (رحمت‌الله‌علیهم) و... همه می‌توانند الهام‌بخش نسل جوان باشند.

آشنایی با زندگی نامه بزرگان

مطالعه زندگی‌نامه، مکاشفات، و مشاهدات بزرگان دینی، معنوی و اخلاقی می‌تواند تأثیر عمیقی بر تربیت نسل جدید بگذارد.

مرحوم رجبعلی خیاط در یک برخورد عاطفی احساسی توانسته از گناه فرار کند که آن حالات برایش پیش آمده است و اگر این را فرزند من بداند با او حس می‌گیرد.

آشنایی با امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و انقلاب اسلامی

آشنایی با مقام بلند امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و الگوگیری از ایشان برای نسل جدید ضروری است. مقام معظم رهبری درباره ایشان فرمودند که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) انسانی تاریخ‌ساز و فخر بشریت بود ایشان در یک جلسه دیگر گفتند که این را به خود مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) گفتم که اگر آنچه که ما در شما می‌بینیم در تاریخ در مورد کسی می‌خواندیم باورمان نمی‌شد. این مقدار علم، بصیرت، فهم، عبودیت، دیانت،

این‌همه شاگرد مجتهد تربیت‌کردن و تأثیرگذاری که یک آدمی بیاید در کشور ۵ میلیون بروند استقبالش و ۱۰ میلیون بروند زیر جنازه‌اش را در زمان وفاتش بگیرند! آن هم در آن ده سالی که اینجا هست جنگ و خونریزی و کمبود و کوپن (بهابرگ) و... وجود دارد؛ چه نفس قوی و معتقد و متوکل بر خدای متعال داشته است.

رنگ‌آمیزی جهان معاصر

پس از نهضت برای مقابله با چالش‌های جهان معاصر، باید شناخت دقیق از این جهان داشته باشیم و به رنگ آن در نیاییم. بلکه خودمان، پس از نهضت مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، جهان را با رنگ معنوی و الهی آراسته کنیم. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِزٌّۖ۱۳».

به روح مطهر مرحوم امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) صلوا علی محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

فهرست منابع

۱. سوره انفال، آیه ۲۴.
۲. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، «غرر الحکم (تصحیح رجایی)»، عبدالواحد بن محمد آمدی و مهدی رجایی، ص ۶۵۳.
۳. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۱، ص ۵۸.
۴. تسلیة المُجالس و زینة المَجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، الجزء ۱، الصفحة ۴۵۰.
۵. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۶، ص ۴۷.
۶. سوره آل عمران، آیه ۱۳۳.
۷. سوره بقره، آیه ۱۴۸.
۸. برقی، احمد بن محمد، «المحاسن»، جلال‌الدین محدث، ج ۱، ص ۲۱۵.
۹. سوره مائده، آیه ۱۰۵.
۱۰. خرسان، حسن و طوسی، محمد بن حسن، «تهذیب الأحکام»، علی آخوندی، ج ۳، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.
۱۱. سوره انبیاء، آیه ۸۰.
۱۲. سوره قلم، آیه ۵۱.
۱۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۰.